

# فردیت به مثابه موضوع تربیت

محمدصادق ذاکری

مربی آلمانی کرشن اشتاینر فردیت را به مثابه موضوع تربیت تلقی کرده و در نقد آرای جان لاک چنین گفته است: " تصویر برگ کاغذ سفید جان لاک از آنجایی که از نظر بیان حالت شعور نوزاد که تصور مادرزادی ندارد، درست است؛ اما منجر به یک اشتباه بزرگ تربیتی شده است. این اشتباه که مدت ها موجب گمراهی مربیان شده بود، حاوی این پندار خطا بود که می توان این صفحه را از هر نوع مطلبی پر کرد."

سزاوار است بدانیم و بخواهیم و بتوانیم به این فهم مشترک برسیم که هر یک از این برگ های سفید در نوع خود یونیک و یکتاست و دومی ندارد و این بی همتایی در کنش و واکنش دارنده ی آن برگ، خود را نشان می دهد. به عبارت دیگر آیا دو تن از میلیارد ها انسانی که در کره ی زمین زندگی کرده اند- برخی تخمین زده اند تا کنون ۵۴ میلیارد در این کره زیسته اند.- دارای سرانگشت یکسان بوده اند؟ اگر پاسخ منفی است تفاوت فرایند های مغزها- به خصوص اگر مغز هر شخص را نیز متکثر تلقی کنیم و نه واحد- بسیار تامل انگیز است.

می توان گفت فردیت هر یک از ما هویت یگانه ی ماست و شایسته نیست آن را در جمع و جامعه بولدوزر وار تسطیح و له کنیم. یادمان باشد نخستین آموزه ی روان شناسی توجه به تفاوت های فردی است و اگر در صدد باشیم همه مثل هم فکر کنیم در واقع شخصی خردورزی نمی کند. اگر هر شخصی به اوج فردیت یگانه ی خود برسد، درک دقیق و درستی از جامعه- که تشکیل آن اگر مهم تر از پیدایش انسان نباشد، کم اهمیت تر نیست.- نخواهد داشت. جامعه ای که مشحون از اشخاصی باشند که به فردیت یگانه خود نرسیده باشند، استقبال مطلوبی نیز از چنین فردی نخواهد کرد.

از آنجایی که هر شخصی بی نظیر است و مانند او نبوده و نیست و نخواهد بود، سزاوار است روش ارتباط با او را فراگیریم.

###### □□□□ □□□